

بسیاری به آرای پیشینیان است. مثلاً، او اقوالی از امام الحرمین جوینی (ج ۱، ص ۲۳۱، ۲۳۹، ۲۴۳-۲۴۴)، قاضی ابوبکر باقلانی (ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲، ۲۳۲، ۲۳۹)، غزالی (ج ۱، ص ۲۱۵، ۲۳۹)، و بسیاری از فلاسفه و متکلمان اشعری و معتزلی و شیعی (ج ۱، ص ۲۳۶، ج ۲، ص ۲۸۵، ج ۳، ص ۶۱۶، ج ۵، ص ۲۸) آورده و در نقد آنها سخن گفته است.

شرح المقاصد از همان عصر تفتازانی تا عصر حاضر به تئهایی نیز مورد استفاده و تا عصر حاضر از متون درسی بوده است و کسان دیگری هم بر آن شرح نوشته اند (طاشکوپری زاده، ص ۶۳؛ حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۷۸۰-۱۷۸۱؛ بغدادی، ایضاح، ج ۲، ستون ۵۳۱-۵۳۲؛ نیز بروکلیمان، حذیل، ج ۲، ص ۳۰۴؛ تفتازانی، پیشگفتار صالح موسی شرف، ج ۱، ص ۱۲-۱۳). شرح المقاصد با تصحیح و مقدمه عبدالرحمان عمیره و با پیشگفتاری از صالح موسی شرف در ۱۹۹۸/۱۴۱۹ در پنج جلد در بیروت چاپ شده است. این چاپ برخلاف چاپ قدیم ۱۳۰۵ استانبول، حاوی خطبه کتاب المقاصد نیست.

منابع: اسماعیل بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، در حاجی خلیفه، ج ۴؛ همو، هدیة العارفین، ج ۲، در همان، ج ۶؛ مسعود بن عمر تفتازانی، شرح المقاصد، چاپ عبدالرحمان عمیره، بیروت ۱۹۹۸/۱۴۱۹؛ حاجی خلیفه؛ احمد بن محمد خوانی، مجمل فصیحی، چاپ محمود فرخ، مشهد ۱۳۳۹-۱۳۴۱ ش؛ احمد بن مصطفی طاشکوپری زاده، الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية، بیروت ۱۳۹۵/۱۹۷۵؛ عبدالرحمان بن احمد عضدالدین ایجی، المواقف فی علم الکلام، بیروت: عالم الکتب، [بی تا]؛

Carl Brockelmann, *Geschichte der arabischen Litteratur*, Leiden 1943-1949, Supplementband, 1937-1942.

/ اسماعیل اثباتی /

شرح المواقف ← المواقف فی علم الکلام

شُرْحُ حَبِیلِ بْنِ حَسَنَةَ (یا شرح حَبِیلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ)، از نخستین صحابه پیامبر اکرم و از فرماندهان سپاه اسلام در شام. کنیه شرح حَبِیلِ بْنِ حَسَنَةَ ابوعبدالله، یا ابوعبدالرحمان، یا ابووائله بود (بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۳۲۸). پدر وی، عبدالله بن مُطاع، از قبیله بنی غوث بن مُرّیا از قبیله کنده یا بنی جَمَح یا تَمیم بود و مادرش، حَسَنَةَ، از قبیله بنی عَدی و به قولی، اهل

بیت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روا داشته شد، چنان آشکار است که راهی برای پنهان کردن آن وجود ندارد و دور نیست که همه زمینیان و آسمانیان بر این مصائب بگریزند. او سپس بر کسانی که در آن کارها دستی داشتند یا به آن رضایت دادند لعن می فرستد و موضع کسانی را که لعن یزید را جایز نمی دانسته اند، حمل بر این می کند که آنها می خواسته اند لعن یزید منجر به لعن صحابه نشود (ج ۵، ص ۳۱۱).

شرح المقاصد مأخذی برای اطلاع از گرایشهای تفتازانی است. درباره اشعری یا ماتریدی بودن تفتازانی اتفاق نظر وجود ندارد و در این کتاب شواهدی از احاطه و گرایش او به هر دو مکتب اشاعره* و ماتریدی* دیده می شود، چنانکه علاوه بر ابوالحسن اشعری، ارجاعهایی به آرای ابوحنیفه و ابومنصور ماتریدی و نقلهایی از تبصرة الادلة ابوالمعین نسفی* به ویژه در دو مسئله مورد اختلاف ایمان و «تکوین» (ناظر به امر «کن») آمده است (برای نمونه ج ۴، ص ۵۳، ۱۵۷، ۱۶۸-۱۷۰، ۲۳۷، ج ۵، ص ۱۸، ۱۹۰، ۲۱۹، ۲۳۱). او در ذیل بحثی درباره حکم مؤمن و کافر با تأکید بر اینکه موارد اختلاف میان اشاعره و ماتریدیان که در ماوراءالنهر غلبه داشته اند اندک است، از کسانی از دو گروه که به یکدیگر نسبت بدعت و ضلالت می داده اند انتقاد می کند (ج ۵، ص ۲۳۱-۲۳۲).

تفتازانی در تألیف کتاب از قاضی عضدالدین ایجی* تأثیر بسیار پذیرفته است (درباره ادعای شاگردی او نزد ایجی ← تفتازانی*)، هم در بسط مباحث فلسفی و هم در فصل بندی کتاب؛ همچنانکه، المقاصد در بخشهای شش گانه اصلی و موضوعات آنها با المواقف ایجی اشتراک دارد و در المواقف نیز زیربخشهای هر فصل با عنوان «المقصد» تنظیم شده اند. مؤلف در موارد بسیاری مطالبی را از المواقف به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقل و گاهی نقد می کند (برای نمونه ج ۱، ص ۱۷۸، ۱۹۰، ۱۹۶، ۲۷۲، ج ۴، ص ۱۴۹، ج ۵، ص ۱۶۴). می توان گفت او از طریق کتاب ایجی به آرا و اظهارات خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲) در تجرید الاعتقاد* رسید، هرچند در مسئله امامت به تندی از آن انتقاد کرده است (ج ۵، ص ۲۶۷). علاوه بر این، او از کتابهای مختلف فلسفی و کلامی فارابی، ابن سینا، فخر رازی، سیف الدین آمدی و آثار نجومی و ریاضی خواجه نصیرالدین طوسی نیز بهره برده و به آنها استناد کرده است (برای نمونه ج ۱، ص ۲۳۲، ۴۰۶، نیز ج ۱، مقدمه عبدالرحمان عمیره، ص ۱۴۶-۱۴۸).

بحثهای تفتازانی در شرح المقاصد مشتمل بر اشاره های

1. Brockelmann